



Shahid Sattari Aeronautical University  
of Science and Technology

## Public Policy-Making Model for the Licensing Regulatory System With an Approach to Improving the Business Environment

Ali Firoozi<sup>1</sup>, Vahid Araei<sup>2</sup>, Mohammad Abbasi<sup>3</sup>, Mandan Momeni<sup>4</sup>, Seyed Shamseddin Hosseini<sup>5</sup>

### Abstract

**Background & Purpose:** Improving the business environment is one of the key goals of public policymaking that can have direct effects on investment, employment, and economic development. In the Iranian licensing system, the complexity of processes, the multiplicity of decision-making institutions, and the lack of transparency have created significant obstacles for economic actors. The purpose of this research is to design and present a comprehensive model of public policymaking for the licensing regulatory system with the approach of improving the business environment.

**Methodology:** This research is qualitative and applied and was conducted with a content analysis approach. The statistical population includes experts and specialists in the field of policymaking and the business environment in the public and private sectors with extensive executive experience. Sampling was purposeful and conducted until theoretical saturation was reached. Data were collected through semi-structured interviews and a literature review on the subject, and for analysis, the Athead-Stirling coding model was used to extract basic, organizing, and overarching themes and to draw a network of themes.

**Findings:** Data analysis showed that the policy cycle of the agricultural licensing system includes three main stages: formulation, implementation, and evaluation. In the formulation stage, it is important to analyze the current situation, set clear goals, and design policy options with a digital and technological approach. The implementation stage focuses on executive capacity building, inter-sectoral coordination, and transparency of systems, and the evaluation stage includes measuring organizational performance, economic and socio-environmental impacts, and stakeholder feedback. The findings show that institutional integrity, process transparency, and the use of new technologies are key factors for the success of policy in improving the business environment.

**Conclusion:** Institutional integrity, process transparency, and the use of new technologies are key to success in designing, implementing, and evaluating licensing policies and improving the business environment.

**Keywords:** *Policy-Making, Licensing Regulation, Improving The Business Environment.*

**Citation:** Firoozi, Ali; Araei, Vahid; Abbasi, Mohammad; Momeni, Mandan and Hosseini, Seyed Shamseddin.(2026). Public Policy-Making Model for the Licensing Regulatory System with an Approach to Improving the Business Environment. *Journal of Innovation Management in Defensive Organizations*, 8(30), 25-48.

---

1. PhD Student, Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: [Ali.firoozi.s@gmail.com](mailto:Ali.firoozi.s@gmail.com)

2. Assistant Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [Vah.arai@iauctb.ac.ir](mailto:Vah.arai@iauctb.ac.ir)

3. Assistant Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [Moh.Abasi@iauctb.ac.ir](mailto:Moh.Abasi@iauctb.ac.ir)

4. Assistant Prof., Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [Man.momeni@iauctb.ac.ir](mailto:Man.momeni@iauctb.ac.ir)

5. Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. E-mail: [Sh.hosseini@atu.ac.ir](mailto:Sh.hosseini@atu.ac.ir)



دانشکده مدیریت

فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی  
شاپای انتشار: ۷۱۱۲-۲۶۷۶  
دوره ۸، شماره ۳۰  
زمستان ۱۴۰۴  
صص ۲۵-۴۸

## الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار

علی فیروزی<sup>۱</sup>، وحید آرایبی<sup>۲</sup>، محمد عباسی<sup>۳</sup>، ماندان مومنی<sup>۴</sup>، سید شمس‌الدین حسینی<sup>۵</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** بهبود محیط کسب‌وکار یکی از اهداف کلیدی سیاست‌گذاری عمومی است که می‌تواند اثرات مستقیم بر سرمایه‌گذاری، اشتغال و توسعه اقتصادی داشته باشد. در نظام مجوزدهی ایران، پیچیدگی فرآیندها، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و نبود شفافیت، موانع قابل توجهی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. هدف این پژوهش، طراحی و ارائه یک الگوی جامع خط‌مشی‌گذاری عمومی برای نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار است.

**روش‌شناسی:** این پژوهش از نوع کیفی و کاربردی است و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. جامعه آماری شامل خبرگان و متخصصان حوزه سیاست‌گذاری و محیط کسب‌وکار در بخش‌های دولتی و خصوصی با سابقه اجرایی کلان است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مرور ادبیات موضوع جمع‌آوری شد و برای تحلیل، از مدل کدگذاری اترید-استرلینگ بهره گرفته شد تا مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج و شبکه مضامین ترسیم شود.

**یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها نشان داد که چرخه خط‌مشی‌گذاری نظام مجوزدهی کشاورزی شامل سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی است. در مرحله تدوین، تحلیل وضعیت موجود، تعیین اهداف روشن و طراحی گزینه‌های خط‌مشی با رویکرد دیجیتال و فناورانه اهمیت دارد. مرحله اجرا بر ظرفیت‌سازی اجرایی، هماهنگی بین‌بخشی و شفافیت سامانه‌ها تمرکز دارد و مرحله ارزیابی شامل سنجش عملکرد سازمانی، اثرات اقتصادی و اجتماعی-زیست‌محیطی و بازخورد ذی‌نفعان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که یکپارچگی نهادی، شفافیت فرآیندها و استفاده از فناوری‌های نوین از عوامل کلیدی موفقیت خط‌مشی‌گذاری در بهبود محیط کسب‌وکار محسوب می‌شوند.

**نتیجه‌گیری:** یکپارچگی نهادی، شفافیت فرآیندها و استفاده از فناوری‌های نوین، کلید موفقیت در طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌های مجوزدهی و ارتقای محیط کسب‌وکار است.

**کلیدواژه‌ها:** خط‌مشی‌گذاری، تنظیم‌گری مجوز، بهبود محیط کسب و کار.

**استناد:** فیروزی، علی؛ آرایبی، وحید؛ عباسی، محمد؛ مومنی، ماندان و حسینی، سید شمس‌الدین. (۱۴۰۴). الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۸(۳۰)، ۲۵-۴۸.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Ali.firoozi.s@gmail.com

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Vah.araei@iauctb.ac.ir

۳. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Moh.Abasi@iauctb.ac.ir

۴. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Man.momeni@iauctb.ac.ir

۵. استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Sh.hosseini@atu.ac.ir

### نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹

DOI:10.22034/qjimdo.2025.560288.1772

نویسنده مسئول مقاله: وحید آرایبی

## مقدمه

فرآیند صدور مجوزها در بخش کشاورزی یکی از ابزارهای اصلی تنظیم فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود و از این منظر تأثیری تعیین‌کننده بر هدایت سرمایه‌گذاری، نوآوری و بهره‌وری دارد. گزارش خانواده بانک جهانی (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که مجوزها در زنجیره تولید و فروش محصولات کشاورزی می‌توانند هم به تسهیل ورود فعالان اقتصادی کمک کنند و هم، در صورتی که طولانی، پیچیده یا غیرشفاف باشند، به موانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری بدل شوند. همچنین، مطالعات نشان می‌دهند که ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب در بخش کشاورزی مستلزم آن است که فرآیندهای مجوزدهی، ریسک‌های سرمایه‌گذاری را کاهش داده و انگیزه فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهند (پاچو<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳).

بخش کشاورزی از حیث امنیت غذایی، اشتغال روستایی و بهره‌برداری از منابع طبیعی اهمیت ویژه‌ای دارد. این بخش نه تنها تولیدکننده مستقیم مواد غذایی برای جمعیت است، بلکه اشتغال قابل توجهی در مناطق روستایی فراهم می‌آورد و در تخصیص منابع آب، خاک و محیط زیست نقش کلیدی ایفا می‌کند. بنابراین، نظام مجوزدهی ناکارآمد می‌تواند یک فرصت بالقوه را به مانعی بالفعل برای رشد تبدیل کند؛ به طوری که سرمایه‌گذاران، فعالان بخش خصوصی و کارآفرینان کشاورزی با ریسک‌های ناپیش‌بینی شده، هزینه‌های اضافی و تأخیرهای فراوان مواجه شوند، که هم بهره‌وری را کاهش می‌دهد و هم ظرفیت اشتغال و نوآوری را تضعیف می‌کند (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۲۵).

در ایران، نظام مجوزدهی کشاورزی با چالش‌های ساختاری و اجرایی متعددی روبه‌رو است. تعدد نهادهای صادرکننده مجوز و نبود هماهنگی میان سازمان‌های ذی‌ربط، باعث موازی‌کاری، همپوشانی وظایف و پیچیدگی فرایندها شده و هزینه‌های زمانی و مالی فعالان اقتصادی را افزایش داده است (مرکز ملمیری، ۱۴۰۰؛ نریمانی و همکاران، ۱۳۹۸). فرآیندهای صدور مجوز در بسیاری از حوزه‌های کشاورزی همچنان طولانی، غیرشفاف و فاقد نظارت مؤثر هستند و در برخی موارد، سامانه‌های موجود به درگاه ملی مجوزها متصل نشده‌اند که مانع یکپارچگی داده‌ها و تسهیل خدمات‌رسانی شده است (امیراحمدی، ۱۴۰۳). این وضعیت موجب شده است که کارآفرینان و تولیدکنندگان کشاورزی با موانع اداری متعددی مواجه شده و انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش یابد.

یکی دیگر از معضلات اساسی، ضعف زیرساخت‌های داده‌محور و الکترونیکی در نظام مجوزدهی است. نبود سامانه‌های یکپارچه اطلاعاتی، عدم اتصال میان دستگاه‌های

<sup>1</sup>. Pacho

صادرکننده مجوز و کمبود داده‌های دقیق درباره بنگاه‌های کشاورزی باعث شده تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً بر مبنای روش‌های سنتی و غیردقیق انجام گیرد (امیری و مدرسی، ۱۳۹۷). پیامد چنین وضعیتی، کاهش بهره‌وری و افزایش ریسک‌های نهادی برای فعالان اقتصادی است و تمایل سرمایه‌گذاران به ورود به بخش کشاورزی کاهش می‌یابد که در نتیجه رقابت‌پذیری و پویایی اقتصادی این بخش آسیب می‌بیند (میدرخی، ۱۴۰۴). بنابراین، بازطراحی نظام مجوزدهی کشاورزی با رویکرد تنظیم‌گری هوشمند و مبتنی بر داده، ضرورتی انکارناپذیر در مسیر بهبود محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود.

فرایند خط‌مشی‌گذاری در حوزه تنظیم‌گری مجوزها با چالش‌های جدی مواجه است. سیاست‌ها و مقررات مرتبط با مجوزدهی، به‌ویژه در بخش کشاورزی، اغلب به صورت پراکنده، متناقض و فاقد هماهنگی میان بخش‌های مختلف دولت تدوین و اجرا می‌شوند. مطالعه‌ای درباره سیاست‌های کشاورزی پایدار در ایران نشان می‌دهد که عدم انسجام میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مانعی برای تحقق توسعه پایدار کشاورزی بوده است (فلاح‌علپور و همکاران، ۱۳۹۷). تحقیقات دیگر نیز بر وجود شکاف جدی میان سیاست‌ها و اجرا اشاره کرده‌اند که ناشی از فقدان هماهنگی نهادی و خط‌مشی چندبخشی است (زهدی، ۲۰۱۸). نتیجه این وضعیت، ناکارآمدی نظام مجوزدهی در هدایت سرمایه‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکار است.

ضعف در نظارت، ارزیابی و بازخورد سیاستی نیز یکی دیگر از کاستی‌های مهم است؛ به این معنی که پس از تصویب و اجرای سیاست‌های مجوزدهی، سازوکارهای نظام‌مند برای پایش اثرات، اصلاح و بازنگری آن‌ها توسعه نیافته‌اند. برای مثال، تحلیل سیاست‌های ناسازگار زمین و آب در ایران نشان می‌دهد که تداخل سیاست‌ها و نبود بازخورد مؤثر باعث تشدید مشکلاتی مانند فرونشست زمین و تخریب منابع شده است (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۸). از منظر نظری نیز پژوهش‌ها در سیاست‌گذاری عمومی تأکید دارند که ناتجانس بودن خط‌مشی‌ها و عدم هماهنگی ابزارهای سیاستی، بخشی از پدیده بینش سیاست‌پذیری ناقص است (کرنی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۵). بنابراین، مداخلات سیاستی که صرفاً روی فرآیند صدور مجوز تمرکز کنند، بدون اصلاح ساختار خط‌مشی‌گذاری و نظام بازخوردی، احتمالاً کارکرد موثری در بهبود محیط کسب‌وکار نخواهند داشت.

در راستای بهبود محیط کسب‌وکار، ضرورت حرکت از نظام مجوزدهی سنتی به تنظیم‌گری هوشمند و تسهیل‌گر به‌وضوح قابل‌استدلال است. این رویکرد بر استفاده از

1. Cairney

ترکیبی از ابزارهای قاعده‌گذاری، بازارمحور و همکاری‌محور تأکید دارد تا هدف‌های عمومی، مانند سلامت، ایمنی و پایداری زیست‌محیطی، با کمترین هزینه و مانع برای فعالان اقتصادی تأمین شود. این روش جایگزین فنون سخت و انحصاری صدور مجوز می‌شود که می‌توانند کارآفرینی و سرمایه‌گذاری را سرکوب کنند (گانینگهم، گربوسکی و سینکلر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ بالدوین، کیو و لاج، ۲۰۱۲). گزارش‌ها و تجارب بین‌المللی نشان می‌دهند که ادغام رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار-که بر شفافیت، حذف موانع غیرضروری و کاهش هزینه‌های ورود تأکید دارد- باعث افزایش رقابت‌پذیری، جذب سرمایه و ارتقای بهره‌وری در بخش‌های کشاورزی می‌شود (خانواده بانک جهانی، ۲۰۱۷؛ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۲).

تحقق تنظیم‌گری هوشمند در عمل نیازمند تدوین یک الگوی بومی خط‌مشی‌گذاری است که هم‌زمان عوامل نهادی، چارچوب‌های قانونی، ظرفیت‌های فناوری و سازوکار مشارکت ذی‌نفعان را لحاظ کند. تجربیات موفق نشان می‌دهند که مشارکت نظام‌مند ذی‌نفعان و حکمرانی شبکه‌ای، کارایی سیاست‌ها را افزایش داده و امکان بازخورد و اصلاح سیاست را فراهم می‌آورد (انسل و گش، ۲۰۰۸). همچنین، مباحث نظری و عملی بر این نکته تأکید دارند که چارچوب‌های بومی‌شده، که ویژگی‌های نهادی و ظرفیت‌های اجرایی کشور را لحاظ می‌کنند، بسیار اثربخش‌تر از کپی‌برداری مکانیکی از الگوهای خارجی هستند (بالدوین و همکاران، ۲۰۱۲؛ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۱۲). بنابراین، طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری برای نظام تنظیم‌گری مجوزهای کشاورزی ایران باید مبتنی بر تحلیل زمینه‌ای نهادی، بازطراحی قوانین و مقررات مرتبط، تقویت زیرساخت‌های داده‌ای و مکانیسم‌های مشارکتی برای نظارت و بازخورد باشد تا هدف نهایی بهبود محیط کسب‌وکار و توسعه پایدار کشاورزی تحقق یابد.

با وجود تلاش‌های پراکنده در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بخش کشاورزی، فقدان چارچوب خط‌مشی‌گذاری منسجم و مبتنی بر تنظیم‌گری نوین همچنان به چشم می‌آید. سیاست‌های مجوزدهی جداگانه و غیرهمگون نه تنها مانع ایجاد محیط کسب‌وکار کارآمد شده‌اند بلکه موجب تداوم ناهماهنگی نهادی، ضعف شفافیت و ناکارآمدی تعامل دولت با فعالان اقتصادی گردیده‌اند. این شکاف، ضرورت طراحی یک الگوی یکپارچه خط‌مشی‌گذاری عمومی در نظام تنظیم‌گری مجوزهای بخش کشاورزی ایران را آشکار می‌سازد که هم به توسعه پایدار، شفافیت، پاسخگویی و رقابت‌پذیری کمک کند و هم فرآیندها و ساختارهای موجود را بازطراحی نماید.

1. Gunningham, Grabosky & Sinclair

## پیشینه پژوهش

خطمشی‌گذاری عمومی در ادبیات مدیریت دولتی به‌عنوان فرایندی نظام‌مند برای حل مسائل عمومی، تخصیص منابع و هدایت رفتار دولت و ذی‌نفعان تعریف می‌شود. مدل‌های کلاسیک خطمشی‌گذاری همچون چرخه خطمشی شامل تعیین مسئله، تدوین، اتخاذ، اجرا و ارزیابی، چارچوبی رایج برای تحلیل رفتار دولت‌ها فراهم می‌کنند (دان، ۲۰۱۸). در کنار این مدل‌ها، رویکردهای تحلیلی نوین‌تر مانند طراحی خطمشی و خطمشی مبتنی بر شواهد تلاش دارند شکاف میان دانش علمی و اقدام اجرایی را کاهش دهند (هاولت، ۲۰۱۹). افزون بر این، نظریه‌هایی مانند جریان‌های چندگانه کینگدن و چارچوب ائتلاف‌های مدافع ساباتیر اهمیت نقش بازیگران، دستورکارگذاری و فرایندهای سیاسی را در شکل‌دهی به خطمشی عمومی برجسته می‌کنند (کینگدن، ۲۰۱۱؛ ساباتیر و ویبل، ۲۰۱۴).

باین‌حال، چالش‌های ساختاری و عملکردی متعددی همواره در نظام خطمشی‌گذاری کشورها مشاهده می‌شود. مهم‌ترین چالش‌ها شامل پراکنده‌کاری خطمشی‌ها، نبود انسجام میان دستگاه‌های دولتی، ضعف در بازخورد سیاستی و فاصله‌گرفتن خطمشی‌ها از واقعیت‌های اجرایی است (هاولت و رامش، ۲۰۲۰). همچنین، عدم بهره‌گیری از ارزیابی‌های اثرات خطمشی سبب می‌شود پیامدهای منفی سیاست‌ها – مانند پیچیدگی‌های قانونی، هزینه‌های مبادله بالا یا تضعیف محیط کسب‌وکار – پیش از اجرا شناسایی نشود. این چالش‌ها در کشورهای درحال توسعه شدیدتر است؛ زیرا ساختار دولت، ضعف داده‌ها و نبود هماهنگی نهادی مانع شکل‌گیری خطمشی‌های یکپارچه و کارآمد می‌شود. از این منظر، نیاز به چارچوب‌های نوین و مبتنی بر تحلیل نظام‌مند بیش از گذشته احساس می‌شود.

**تنظیم‌گری و مجوزدهی: رویکردها، نظریه‌ها و مدل‌های نوین؛ تنظیم‌گری به‌عنوان** یکی از ابزارهای بنیادی حکمرانی عمومی، نقش اساسی در هدایت فعالیت‌های اقتصادی، حمایت از حقوق شهروندان و ساماندهی بازارها ایفا می‌کند. در ادبیات کلاسیک، تنظیم‌گری غالباً به شکل مقررات دستوری تعریف می‌شد که بر الزامات قانونی و نظارت مستقیم دولت متکی بود (بالدوین، کیو و لاج، ۲۰۱۲). باین‌حال، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که مجوزدهی – به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی تنظیم‌گری – در صورتی کارآمد خواهد بود که بر اصولی همچون تناسب، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و کاهش بار اداری مبتنی باشد. از این رو، رویکردهای نوینی مانند تنظیم‌گری مبتنی بر ریسک و تنظیم‌گری واکنشی بر تعدیل مداخله دولت بر اساس رفتار، عملکرد و سطح ریسک فعالان اقتصادی تأکید دارند (آیرز و بریث‌ویت<sup>۱</sup>،

<sup>1</sup>. Ayres & Braithwaite

(۱۹۹۲). این تحول نظری، زمینه‌ساز بازنگری فرایندهای مجوزدهی در بسیاری از کشورها شده است.

در سال‌های اخیر، مفهوم تنظیم‌گری هوشمند به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در حکمرانی اقتصادی مطرح شده است. این رویکرد ترکیبی از ابزارهای دولت، بازار و شبکه‌های مشارکتی است و بر استفاده از داده‌ها، فناوری دیجیتال، یکپارچگی نهادی و کاهش مداخلات غیرضروری تأکید می‌کند (گانینگهام و سینکلر، ۲۰۱۷). در حوزه مجوزدهی، تنظیم‌گری هوشمند موجب ساده‌سازی فرایندها، ایجاد پنجره واحد، دیجیتالی‌سازی کامل و جایگزینی نظارت‌های میدانی با پایش داده‌محور می‌شود. تجربیات اتحادیه اروپا، استرالیا و نیوزیلند نشان می‌دهد که استفاده از مدل‌های هوشمند تنظیم‌گری موجب کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش رقابت‌پذیری و تقویت اعتماد فعالان اقتصادی به نهادهای دولتی شده است. بنابراین، ادبیات علمی تأکید می‌کند که گذار از مجوزدهی سنتی به تنظیم‌گری هوشمند، یکی از الزامات کلیدی برای اصلاح محیط کسب‌وکار و کارآمدسازی حکمرانی اقتصادی است.

**بهبود محیط کسب‌وکار و نقش کیفیت مقررات و نظام مجوزدهی؛ کیفیت محیط کسب‌وکار یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی در کشورها محسوب می‌شود. ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد که مقررات شفاف، پیش‌بینی‌پذیر و کم‌هزینه نقش کلیدی در کاهش عدم قطعیت، تسهیل ورود بنگاه‌های جدید و افزایش بهره‌وری دارد (جانکوف، ۲۰۰۹). بررسی‌های بانک جهانی نیز تأکید می‌کند که فرایندهای پیچیده مجوزدهی، طولانی بودن زمان صدور مجوز، هزینه‌های بالا و تعدد نهادهای مسئول از مهم‌ترین موانع بهبود محیط کسب‌وکار در کشورهای در حال توسعه هستند. در مقابل، کشورهایی که اصلاحات مقرراتی مبتنی بر ساده‌سازی، دیجیتالی‌سازی و یکپارچه‌سازی نظام مجوزدهی را اجرا کرده‌اند، توانسته‌اند فضای رقابتی سالم‌تر، کارایی اداری بالاتر و انگیزه‌های قوی‌تر برای سرمایه‌گذاری ایجاد کنند.**

افزون بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کیفیت مقررات رابطه مستقیمی با رشد اقتصادی و افزایش نوآوری دارد؛ زیرا مقررات ناکارآمد اغلب موجب افزایش هزینه‌های مبادله، گسترش فساد اداری، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف رقابت‌پذیری می‌شود (کافمن، کرای و ماستروتزی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). نقش نظام مجوزدهی در این میان بسیار حیاتی است، زیرا نقطه تماس اصلی میان دولت و فعالان اقتصادی به شمار می‌رود و کیفیت آن بر متغیرهایی مانند مدت زمان شروع کسب‌وکار، امکان‌پذیری سرمایه‌گذاری و پایداری تولید اثر می‌گذارد. در

<sup>1</sup>. Kaufmann, Kraay & Mastruzzi

بخش‌هایی مانند کشاورزی — که به امنیت غذایی، اشتغال و بهره‌وری منابع طبیعی وابسته است — کیفیت نظام مجوزدهی می‌تواند توسعه پایدار یا رکود ساختاری را رقم بزند. بنابراین، ادبیات علمی تأکید دارد که بازطراحی نظام مجوزدهی بر اساس اصول تنظیم‌گری کارآمد و شفاف، یکی از مؤثرترین ابزارهای بهبود محیط کسب‌وکار در سطح ملی است.

### پیشینه تجربی

در این بخش تلاش می‌شود تا برخی از مهمترین مطالعات مرتبط مورد بررسی قرار گیرد. دانایی‌فرد و سلطانی، (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان تحلیل فرایند خطمشی‌گذاری عمومی در ایران با تأکید بر چالش‌های نهادی انجام دادند. این نویسندگان به دنبال بررسی نقاط ضعف ساختار نهادی سیاست‌گذاری و عوامل اختلال در چرخه خطمشی‌گذاری در دستگاه‌های اجرایی ایران بودند. در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی با رویکرد تحلیل تماتیک استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان حوزه سیاست‌گذاری و مدیران ارشد دولتی بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که فقدان انسجام نهادی، ضعف ارزیابی سیاست‌ها و نبود نظام بازخورد سیاستی از مهم‌ترین موانع کارآمدی خطمشی‌گذاری در ایران است. همچنین پژوهش تأکید کرد که چرخه خطمشی در ایران بیشتر شکست‌های مرحله‌ای دارد و گذار از سیاست‌گذاری دستوری به سیاست‌گذاری مشارکتی ضروری است.

واعظی و اسدی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان چالش‌های نظام مجوزدهی و مقررات‌گذاری اقتصادی در ایران انجام دادند. هدف این پژوهش شناسایی مشکلات ساختاری نظام صدور مجوز و ارائه راهکارهای بهبود کیفیت مقررات بود. پژوهش از روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی بهره برد و جامعه آماری آن کارشناسان سازمان‌های مقررات‌گذار و فعالان اقتصادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که نظام مجوزدهی ایران دچار افراط در مقررات، نبود شفافیت، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و ضعف در پاسخگویی تنظیم‌گری است. این یافته‌ها بر ضرورت گذار از نظام کنترل‌محور به تنظیم‌گری هوشمند و کاهش هزینه‌های مبادله برای فعالان اقتصادی تأکید دارد.

مؤمنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان نقش کیفیت مقررات در بهبود محیط کسب‌وکار ایران به بررسی اثر ساختار مقرراتی بر شاخص‌های کسب‌وکار پرداخت. وی به دنبال تحلیل رابطه میان بار مقرراتی، بروکراسی مجوزها و هزینه‌های ورود به بازار بود. روش پژوهش کمی و مبتنی بر تحلیل همبستگی بود و جامعه آماری آن شامل کارآفرینان و فعالان کسب‌وکار در بخش‌های مختلف کشور بود. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت مقررات و سهولت فرآیند صدور مجوزها ارتباط معناداری با سرمایه‌گذاری، رقابت‌پذیری و کاهش فساد اداری دارد.

پژوهش تأکید کرد که بهبود محیط کسب‌وکار در ایران بدون اصلاح نظام مجوزدهی، کاهش پیچیدگی‌های مقرراتی و افزایش شفافیت ممکن نیست.

قاسمی و کریمی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان ارزیابی تأثیر نظام صدور مجوزهای کشاورزی بر توسعه کسب‌وکارهای روستایی انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی پیامدهای مقررات و مجوزهای حوزه کشاورزی بر فعالیت‌های اقتصادی روستایی بود. روش‌شناسی پژوهش ترکیبی (کمی - کیفی) بود و جامعه آماری شامل بهره‌برداران کشاورزی و کارشناسان جهاد کشاورزی بود. نتایج پژوهش نشان داد که طولانی بودن فرایند مجوزدهی، عدم شفافیت اطلاعات، و تعدد نهادهای صدور مجوز مهم‌ترین موانع کسب‌وکارهای کشاورزی هستند. این پژوهش همچنین تأکید کرد که تسهیل‌گری و دیجیتالی‌سازی مجوزهای کشاورزی می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید، افزایش نوآوری و توسعه پایدار روستایی منجر شود.

حاجی‌پور و فیض‌پور (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان واکاوی چالش‌های اجرای خط‌مشی‌های عمومی در دستگاه‌های دولتی ایران انجام دادند. این نویسندگان به دنبال شناسایی علل شکست خط‌مشی‌ها در مرحله اجرا و تحلیل موانع سیاسی، سازمانی و ساختاری مؤثر بر آن بودند. در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارشناسان ارشد دستگاه‌های اجرایی کشور بود که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نتایج تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که ابهام در اهداف سیاسی، ضعف هماهنگی بین‌سازمانی، محدودیت منابع و نبود نظام پایش مستمر مهم‌ترین عوامل ناکامی اجرای خط‌مشی‌های عمومی در ایران است. این پژوهش تأکید کرد که اصلاح ساختار اجرای سیاست و ارتقای نظام پاسخگویی شرط لازم برای کارآمدی خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

قهرمانی و خدامرادی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان ارزیابی کارآمدی نظام مجوزدهی کسب‌وکارها در ایران و بررسی موانع آن انجام دادند. هدف پژوهش تحلیل وضعیت موجود مجوزهای اقتصادی و تعیین عوامل ساختاری و اداری مؤثر بر ناکارآمدی آن بود. در این پژوهش از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد و جامعه آماری شامل کارشناسان وزارت امور اقتصادی و دارایی و فعالان بخش خصوصی بود. نتایج نشان داد که طولانی‌بودن فرآیند صدور مجوز، تعدد نهادهای صادرکننده، نبود شفافیت اطلاعات و هزینه‌های اداری بالا از مهم‌ترین موانع نظام مجوزدهی کشور است. پژوهش بیان می‌کند حرکت به سوی مجوزدهی الکترونیکی و تنظیم‌گری مبتنی بر ریسک می‌تواند کارآمدی این نظام را افزایش دهد.

یزدانی و رضایی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بهبود محیط کسب‌وکار ایران با تأکید بر کیفیت مقررات انجام دادند. هدف پژوهش، تحلیل میزان

اثرگذاری قوانین، مقررات و سیاست‌های اقتصادی بر عملکرد کسب‌وکارها بود. روش پژوهش کمی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود و جامعه آماری شامل کارآفرینان و فعالان اقتصادی در کلان‌شهرها بود. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت مقررات، سهولت صدور مجوزها، شفافیت اداری و ثبات سیاست‌ها تأثیر معناداری بر بهبود محیط کسب‌وکار دارند. پژوهش تأکید کرد که شرط لازم برای تقویت کارآفرینی و جذب سرمایه‌گذاری، اصلاح ساختاری در نظام مقررات‌گذاری و کاهش مداخلات غیرضروری است.

حسینی و بابایی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مقررات و فرآیند صدور مجوزهای کشاورزی بر عملکرد بهره‌برداران انجام دادند. این پژوهش به دنبال تحلیل نقش قوانین و مجوزهای بخش کشاورزی در تسهیل یا ایجاد مانع برای فعالیت‌های تولیدی بود. در این پژوهش از روش ترکیبی (پیمایش و تحلیل کیفی) استفاده شد. جامعه آماری شامل کشاورزان، کارشناسان جهاد کشاورزی و مدیران محلی بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که پیچیدگی فرایندهای اداری، تعدد استعلامات، و عدم دسترسی به اطلاعات شفاف از مهم‌ترین چالش‌های فعالان کشاورزی در دریافت مجوزها است. پژوهش نتیجه گرفت که هوشمندسازی و یکپارچه‌سازی مجوزهای کشاورزی عامل مؤثر در توسعه پایدار و افزایش بهره‌وری این بخش است.

هاولت (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان چرا انتخاب ابزارهای خط‌مشی اهمیت دارد؟ انجام داد. این پژوهش به دنبال بررسی منطق انتخاب ابزارهای خط‌مشی و عوامل مؤثر بر موفقیت یا ناکامی آن‌ها در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی بود. هاولت از روش‌شناسی تحلیلی و مرور نظام‌مند مطالعات سیاست‌گذاری استفاده کرد. جامعه تحلیلی پژوهش شامل مطالعات سیاست‌گذاری از حوزه‌های مختلف حکمرانی بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که عدم انطباق میان ابزارهای سیاستی و ماهیت مسئله، نبود تحلیل مبتنی بر شواهد و فاصله میان طراحی و اجرا، مهم‌ترین دلایل ناکامی خط‌مشی‌ها در بسیاری از کشورها هستند. او تأکید کرد که کارآمدی خط‌مشی وابسته به طراحی دقیق ابزارها، توجه به زمینه نهادی و وجود بازخورد سیاستی است.

بالدوین، کیو و لادج (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان درک تنظیم‌گری: نظریه، راهبرد و عمل انجام دادند. نویسندگان در این کتاب تحلیلی به دنبال تبیین انواع رویکردهای تنظیم‌گری، از جمله تنظیم‌گری سنتی، مبتنی بر ریسک و تنظیم‌گری هوشمند، و نیز نقش فرآیندهای مجوزدهی در حکمرانی اقتصادی بودند. روش پژوهش تحلیل نظری و بررسی تطبیقی نظام‌های تنظیم‌گری در کشورهای پیشرفته بود. نتایج نشان داد که تعدد مقررات، مداخلات غیرضروری و نظارت‌های سخت‌گیرانه به افزایش بار اداری و کاهش نوآوری منجر می‌شود،

درحالی‌که تنظیم‌گری هوشمند با تمرکز بر داده، انعطاف‌پذیری و هدف‌گذاری ریسک، می‌تواند اثربخشی و کارآمدی مجوزدهی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

جیانکوف (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان تنظیم ورود به بازار انجام داد. هدف پژوهش سنجش تأثیر کیفیت مقررات، فرآیند صدور مجوزها و هزینه‌های ورود به بازار بر عملکرد کسب‌وکارها در کشورهای مختلف بود. روش پژوهش تحلیل داده‌های مقایسه‌ای برای بیش از ۱۰۰ کشور بود. جامعه آماری شامل شاخص‌های رسمی کسب‌وکار، داده‌های قانونی و اطلاعات سازمان‌های بین‌المللی بود. نتایج نشان داد که پیچیدگی و طولانی بودن فرآیند مجوزدهی، عدم شفافیت مقررات و تعدد نهادهای مسئول باعث کاهش کارایی اقتصادی، افزایش فساد و افت سرمایه‌گذاری می‌شود. پژوهش تأکید می‌کند که ساده‌سازی و استانداردسازی فرآیندهای صدور مجوز یکی از مهم‌ترین ابزارهای بهبود محیط کسب‌وکار است.

کید و دوروارد (۲۰۰۴) پژوهشی با عنوان پیامدهای شکست بازار و تنظیم‌گری برای توسعه کشاورزی انجام دادند. نویسندگان به دنبال بررسی نقش مقررات، مجوزدهی و نهادهای دولتی در ایجاد یا رفع موانع توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بودند. روش پژوهش تحلیل نظری-نهادی و بررسی مطالعات موردی از کشورهای آفریقایی بود. نتایج نشان داد که مقررات پراکنده، مجوزدهی غیرشفاف و مداخلات سنگین دولت موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، کاهش بهره‌وری و تضعیف بازارهای کشاورزی می‌شود. پژوهش بر ضرورت اصلاح ساختار تنظیم‌گری کشاورزی و گذار به نظام‌های شفاف و پیش‌بینی‌پذیر تأکید دارد.

دان (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان تحلیل خطمشی عمومی: یک مقدمه انجام داد. در این پژوهش، دان به بررسی چارچوب‌های تحلیل خطمشی عمومی، فرآیند تصمیم‌گیری و تأثیر زمینه نهادی بر موفقیت سیاست‌ها پرداخت. روش پژوهش تحلیل تطبیقی و مرور نظام‌مند مطالعات سیاست‌گذاری بود. جامعه پژوهش شامل نمونه‌هایی از سیاست‌های دولتی در حوزه‌های مختلف به ویژه بهداشت و کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که خطمشی‌های موفق نیازمند هماهنگی میان ابزارهای سیاستی، درک درست از جریان‌های سیاسی و استفاده از شواهد علمی در طراحی و اجرا هستند. همچنین، فقدان بازخورد منظم و ناتوانی در ارزیابی اثرات سیاست، می‌تواند موجب ناکارآمدی و افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.

گانینگهم، گربوسکی و سینکلر (۱۹۹۸) پژوهشی با عنوان تنظیم‌گری هوشمند: طراحی سیاست‌های زیست‌محیطی انجام دادند. هدف پژوهش بررسی رویکردهای نوین تنظیم‌گری،

به ویژه تنظیم‌گری هوشمند و کاربرد آن در سیاست‌های زیست‌محیطی بود. روش پژوهش مطالعه تطبیقی و تحلیل موردی نظام‌های زیست‌محیطی کشورهای پیشرفته بود. جامعه پژوهش شامل نمونه‌های سیاست زیست‌محیطی و صنعتی در کانادا، استرالیا و انگلستان بود. نتایج نشان داد که ترکیب ابزارهای دولتی، بازار و شبکه‌های مشارکتی در قالب تنظیم‌گری هوشمند موجب کاهش مداخلات غیرضروری، افزایش شفافیت و کارایی و ارتقای اعتماد میان فعالان اقتصادی و دولت می‌شود.

بانک جهانی (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان تجارت در سال ۲۰۱۷: فرصت برابر برای همه انجام داد. هدف پژوهش بررسی تأثیر فرآیندهای مجوزدهی، شفافیت مقررات و کیفیت محیط کسب‌وکار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشورها بود. روش پژوهش تحلیل داده‌های مقایسه‌ای ۱۹۰ کشور و بررسی شاخص‌های کسب‌وکار بود. جامعه آماری شامل شاخص‌های رسمی کسب‌وکار، فرآیند صدور مجوز، زمان و هزینه‌های شروع کسب‌وکار بود. نتایج تحلیل نشان داد که کاهش زمان و هزینه‌های صدور مجوز، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و شفافیت مقررات تأثیر مستقیم بر افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و انگیزه کارآفرینی دارد.

فن و چان-کانگ (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان آیا توسعه کشاورزی چین به رشد کاهش فقر کمک می‌کند؟ انجام دادند. هدف پژوهش بررسی اثرات سیاست‌ها و مقررات کشاورزی، نظام مجوزدهی و نهادهای دولتی بر توسعه کشاورزی و فقر روستایی بود. روش پژوهش تحلیل داده‌های ثانویه اقتصادی و بررسی نمونه‌های منطقه‌ای در چین بود. جامعه پژوهش شامل بخش‌های کشاورزی استان‌های مختلف چین و کشاورزان کوچک و متوسط بود. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که نظام‌های مجوزدهی پیچیده و غیرشفاف می‌تواند مانع رشد و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی شود و توسعه پایدار و کاهش فقر را با مشکل مواجه کند. پژوهش تأکید دارد که شفاف‌سازی مقررات و تسهیل فرآیندهای مجوزدهی کشاورزی برای ارتقای بهره‌وری و توسعه روستایی ضروری است.

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و نظام مجوزدهی در ایران، هر یک به نوعی به تحلیل ضعف‌ها و چالش‌های ساختاری و نهادی پرداخته‌اند. پژوهش دانایی‌فرد و سلطانی (۱۳۹۵) با تأکید بر چالش‌های نهادی، فقدان انسجام نهادی و نبود نظام بازخورد سیاستی را مهم‌ترین موانع کارآمدی چرخه خط‌مشی در ایران شناسایی کرده است. همچنین، پژوهش حاجی‌پور و فیض‌پور (۱۳۹۸) بر ناکامی مرحله اجرایی خط‌مشی‌ها، ضعف هماهنگی بین‌سازمانی و محدودیت منابع تأکید دارد. در این میان، پژوهش‌های مرتبط با نظام مجوزدهی، مانند پژوهش واعظی و اسدی (۱۳۹۹)، مؤمنی (۱۳۹۷)، قهرمانی و خدامرادی (۱۴۰۰) و یزدانی و رضایی (۱۳۹۶)، مشکلات ساختاری نظیر تعدد نهادهای

تصمیم‌گیر، پیچیدگی مقررات و نبود شفافیت اطلاعات را برجسته کرده‌اند و بر ضرورت گذار از نظام کنترل‌محور به تنظیم‌گری هوشمند برای بهبود محیط کسب‌وکار تأکید دارند. به‌طور کلی، این مطالعات نشان می‌دهند که ضعف‌های نهادی و مقرراتی، فرآیند صدور مجوزها را ناکارآمد و سرمایه‌گذاری و نوآوری را محدود می‌سازد.

با این حال، محدودیت اصلی پیشینه موجود در ایران، عدم تمرکز بر طراحی یک الگوی یکپارچه خط‌مشی‌گذاری برای نظام تنظیم‌گری مجوزها است. اغلب پژوهش‌ها به تحلیل مشکلات موجود و ارائه توصیه‌های کلی پرداخته‌اند و کمتر به تدوین چارچوب عملیاتی و الگوی راهبردی برای بهبود فرآیندها پرداخته‌اند. همچنین، مطالعات بین‌المللی مانند پژوهش‌های هاوِلِت (۲۰۱۴)، بللدوین، کیو و لادج (۲۰۱۲)، جیانکوف (۲۰۰۹) و دان (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که موفقیت خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری مستلزم هماهنگی ابزارهای سیاستی، شفافیت و بازخورد منظم است، امری که در نظام مجوزدهی ایران کمتر به صورت ساختاری مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر، ضرورت تدوین یک الگوی جامع خط‌مشی‌گذاری با رویکرد تنظیم‌گری هوشمند و بهبود محیط کسب‌وکار برای ایران به‌وضوح احساس می‌شود.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار در چارچوب روش تحقیق کیفی انجام شده است. روش کیفی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که فرایندهای پیچیده خط‌مشی‌گذاری را به‌صورت عمیق و تفصیلی تحلیل نماید. راهبرد پژوهش تحلیل مضمون است. در این رویکرد، داده‌ها از طریق شناسایی، کدگذاری و استخراج مضامین کلیدی پردازش می‌شوند تا الگوها و روابط موجود در فرایندهای خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری مجوزها آشکار گردد. تحلیل مضمون امکان دسته‌بندی داده‌ها بر اساس محورهای اصلی پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود محیط کسب‌وکار و تدوین یک الگوی نظام‌مند را فراهم می‌آورد.

افق زمانی گردآوری داده‌ها در این پژوهش مقطعی است؛ به این معنا که اطلاعات و داده‌ها در یک بازه زمانی مشخص جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند و تغییرات طولی مورد بررسی قرار نگرفته است. نوع پژوهش از نظر کاربردی است، چرا که هدف اصلی آن ارائه راهکارها و چارچوبی عملی برای اصلاح نظام مجوزدهی و بهبود محیط کسب‌وکار در ایران است. این رویکرد کاربردی، پژوهش را در مسیر تولید دانش قابل استفاده برای تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد و زمینه را برای طراحی الگوی عملیاتی و قابل اجرا در ساختارهای

دولتی فراهم می‌سازد.

جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان و متخصصین حوزه تخصصی بهبود محیط کسب‌وکار کشور است. این خبرگان از هر دو بخش حاکمیت و بخش خصوصی انتخاب شده‌اند و دارای سوابق اجرایی در سطوح کلان تصمیم‌گیری هستند. این افراد به‌عنوان «خبرگان آگاه» شناخته می‌شوند و دیدگاه آن‌ها برای تحلیل نظام تنظیم‌گری مجوزها و ارائه الگوی خط‌مشی عمومی حیاتی است.

نمونه‌گیری در این بخش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انجام شده و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد. تعداد نمونه‌ها معمولاً محدود و در محدوده ۱۰ تا ۲۵ نفر قرار دارد و ملاک پایان نمونه‌گیری، دستیابی به داده‌های اشباع و نبود اطلاعات جدید است. برای تعیین نمونه‌ها، جمعیت شناختی خبرگان در نظر گرفته شده و معیارهای زیر برای انتخاب آن‌ها رعایت شده است؛ مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته‌های مدیریت (تمام گرایش‌ها)، اقتصاد (تمام گرایش‌ها)، مهندسی صنایع (تمام گرایش‌ها)، حقوق، و یا تخصص در کسب‌وکارهای حوزه کشاورزی، داشتن حداقل ۵ سال سابقه مدیریت و حداقل ۱۵ سال سابقه کاری مرتبط، فعالیت در بخش خصوصی شامل اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، تعاون و انصاف و فعالیت در مدیریت دولتی و فرایند خط‌مشی‌گذاری در سطوح ملی و استانی.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با خبرگان است که از طریق دعوت مستقیم یا انتخاب خبرگان بر اساس معیارهای تخصصی انجام می‌شود. علاوه بر مصاحبه، پژوهش از داده‌های کتابخانه‌ای و ادبیات موضوع برای تکمیل و اعتبارسنجی یافته‌ها بهره برده است. این روش گردآوری داده‌ها امکان تحلیل عمیق و استخراج مضامین کلیدی را فراهم می‌سازد و زمینه را برای طراحی الگوی عملیاتی خط‌مشی‌گذاری عمومی و نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار فراهم می‌کند.

در این پژوهش، تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از رویکرد اتراید و استرلینگ انجام شد. داده‌های مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته پس از گردآوری، به صورت گام‌به‌گام تحلیل شدند. ابتدا متن مصاحبه‌ها به دقت خوانده شد و مفاهیم و ایده‌های کلیدی استخراج گردید. سپس این مفاهیم به کدهای اولیه تبدیل شدند و در مرحله بعدی، این کدها به مضامین فرعی و در نهایت به مضامین اصلی و شبکه موضوعی سازماندهی شدند. این رویکرد به پژوهشگر امکان داد تا رابطه میان مفاهیم و مضامین را به صورت سلسله‌مراتبی و ساختاریافته شناسایی کند و تحلیل عمیقی از دیدگاه خبرگان ارائه دهد. بازبینی مضامین توسط چند تحلیلگر مستقل و مقایسه با متن اصلی مصاحبه‌ها، باعث افزایش دقت و روایی تحلیل‌ها شد.

این روش، شفافیت در فرآیند استخراج مضامین و قابلیت استدلالی بودن نتایج پژوهش را تضمین می‌کند و پایه محکمی برای ارائه مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی نظام مجوزها فراهم می‌آورد.

برای تضمین روایی داده‌ها در بخش کیفی پژوهش، از چند روش مکمل استفاده شد. نخست، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، یعنی مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، با بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری و بهبود محیط کسب‌وکار مورد بازبینی قرار گرفت تا روایی صوری و محتوایی آن تأیید شود. همچنین، پیش‌آزمون مصاحبه با تعدادی از خبرگان انجام شد تا شفافیت سوالات و قابلیت استخراج اطلاعات معتبر مورد ارزیابی قرار گیرد. روایی مفهومی داده‌ها از طریق تحلیل مضمون تقویت شد؛ به این ترتیب که مضامین و کدهای استخراج‌شده توسط چند تحلیلگر مستقل بررسی و تطبیق داده شد تا اطمینان حاصل شود که داده‌ها به درستی بازتاب‌دهنده دیدگاه خبرگان هستند. در زمینه پایایی، از تکنیک بازبینی همکار استفاده شد؛ بخشی از داده‌ها توسط دو تحلیلگر مستقل کدگذاری و میزان تطابق کدها بررسی شد تا ثبات تحلیل‌ها تأیید گردد. علاوه بر این، اعتبار نتایج با استفاده از اعتبار تراکمی افزایش یافت؛ داده‌ها از منابع مختلف شامل مصاحبه با خبرگان دانشگاهی، مدیران دولتی و فعالان بخش خصوصی جمع‌آوری و با یکدیگر مقایسه شد. این اقدامات باعث شد یافته‌ها با دقت و روایی بالاتر تحلیل شوند و اعتمادپذیری و قابلیت تعمیم منطقی نتایج به مدل پیشنهادی پژوهش ارتقا یابد.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با خبرگان حوزه بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل مضمون ابزاری است برای شناسایی و تبیین الگوها و مضامین موجود در داده‌ها که علاوه بر سازماندهی اطلاعات، امکان درک عمیق جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را فراهم می‌کند. در این فرآیند، داده‌ها در قالب یک چرخه انعطاف‌پذیر پالایش، کدگذاری و سازماندهی شدند. ابتدا مفاهیم خرد و کلیدی به‌عنوان مضامین پایه استخراج شد؛ سپس با ترکیب و تلخیص این مضامین، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت که روابط میان مفاهیم را منعکس می‌کردند. در نهایت، مضامین فراگیر احصا شد که نمایانگر تصویر کلان و غالب موضوع پژوهش بودند، مطابق با روش کدگذاری اتراید-استرلینگ.

در عمل، پژوهشگر پس از چندبار مطالعه مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری و شناسایی مفاهیم اولیه، اقدام به شناسه‌گذاری داده‌های متنی کرد. تمامی شناسه‌ها در مرحله اول

استخراج و در مرحله دوم شناسه‌های تکراری حذف و یکپارچه‌سازی شدند. سپس، با بررسی مجدد، کدهای مشابه ادغام و مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت و نهایتاً، مضامین فراگیر تعیین و شبکه‌ای از روابط میان مضامین طراحی شد. نمونه‌ای از نتایج این مرحله در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. جملات کلیدی مصاحبه‌ها و مضامین پایه

ردیف	جملات کلیدی متن مصاحبه‌ها(گزاره‌های کلامی)	مضامین پایه
۱	وقتی می‌خواهیم یک واحد دامداری راه‌اندازی کنیم، باید از ۱۰ جا مجوز بگیریم و چند ماه وقت بذارم، در حالی که در کشورهای دیگه این کار تو چند هفته و با یک سامانه الکترونیکی انجام میشه؛ این یعنی ما در رتبه کسب و کار حوزه کشاورزی عقب هستیم و شرایط برای کارآفرینی دشوارتر شده	رتبه کسب و کارهای حوزه کشاورزی
۲	من دو سال پیش برای راه‌اندازی یک گلخانه نشستم با چندین اداره مراجعه کردم، ولی هر کدام جواب متفاوتی دادن و در نهایت مجوز به دلیل عدم تطابق با یک ضابطه قدیمی رد شد؛ من مثل هزاران کشاورز دیگه هر روز شکایت‌هامون رو ثبت می‌کنیم ولی کسی پیگیری نمی‌کنه و این باعث میشه انگیزه کار کردنمون از بین بره	تعداد شکایات ثبت‌شده کشاورزان درباره فرآیند مجوزدهی
۳	وقتی می‌خوای یک پروژه کشاورزی رو شروع کنی، اول باید به سازمان جنگل‌ها بری، بعد به شهرداری، بعد به آب منطقه‌ای، به هواشناسی، به بهداشت محیط، به ثبت اسناد... هر کدام یه شرط دارن و تو هم همه‌شون رو رعایت کنی! اینجاست که فکر می‌کنی: چرا یه جا نیست که همه مجوزها رو با یه فرم و تو یه زمان بگیری!؟	یکپارچه‌سازی مراجع مجوزدهی
۴	اگه یه جایی باشه که من فقط یه فرم پر کنم، مدارکمو تحویل بدم و همه مجوزها رو با هم دریافت کنم، نه تنها وقت و پول زیادی صرف نمی‌کنم، بلکه انگیزم هم از بین نمیره. الان هر مرجعی جداگانه حرف خودش رو داره و گاهی هم تضاد دارن، ولی یه پنجره واحد مجوزدهی همه اینا رو حل می‌کنه	ایجاد پنجره واحد مجوزدهی
۵	اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس هزینه-فایده یکی از ابزارهای کلیدی در مرحله انتخاب گزینه‌های سیاستی است. هدف این شاخص، تعیین راهکارهایی است که حداکثر فایده را با حداقل هزینه فراهم کنند.	اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس هزینه-فایده
۶	حتی اگر یه سیاست خوب هم باشه، اگر کشاورزان، تعاونی‌ها و حتی دستگاه‌های اجرایی اونو نپذیرن یا ازش حمایت نکنن، شانس زیادی برای موفقیت نداره. وقتی گزینه‌ای رو انتخاب می‌کنیم که ذی‌نفعان اصلی اونو دوست داشته باشن و احساس کنن که منافعشون رعایت شده، فرآیند اجرا هم راحت‌تر میشه و مقاومت کمتری برمی‌خوریم.	پشتیبانی ذی‌نفعان از گزینه
۷	وقتی یه سیاست رو تصویب می‌کنیم، اگر نقشه راه مشخصی نداشته باشیم که بفهمیم چه کسی چه کاری تا چه موقع انجام بده، فرآیند به هم می‌ریزه و طرح عملیاتی نمی‌شه. ما چند بار شاهد بودیم که سیاست‌ها خوب بودن ولی بدون نقشه راه مشخص، به مرحله اجرا نرسیدن.	وجود نقشه راه مشخص
۸	وقتی یه سیاست تصویب میشه، مهم‌ترین مشکل ما اینه که هیچ کس نمی‌فهمه دقیقاً چه کسی چه کاری رو باید انجام بده. فراموش نکنیم که بدون تعیین مسئولیت‌های اجرایی واضح، هیچ سیاستی به نتیجه نمی‌رسه و فقط توی کاغذ باقی می‌مونه	تعیین مسئولیت‌های اجرایی
۹	همه دوست دارن سیاست‌های خوبی تصویب کنن، ولی وقتی به مرحله تخصیص منابع مالی لازم می‌رسیم، متوجه می‌شیم که بودجه نداریم یا منابع در جاهای دیگه هدر رفته. این یعنی بدون تأمین اعتبار، حتی بهترین خط‌مشی‌ها هم عملیاتی نمی‌شن.	تخصیص منابع مالی لازم

زمان‌بندی اجرائی منظم	وقتی به سیاست خوب رو تصویب می‌کنیم، مهم نیست فقط بهترین گزینه باشه، باید در زمان مناسب هم اجرا بشه. اگر فعالیت‌ها در زمان مشخص و منظمی انجام نشه، تمامی برنامه دچار تاخیر می‌شه و گاهی هم کل پروژه راکد می‌مونه	۱۰
--------------------------	---	----

پس از شناسایی اولیه تم‌ها، در گام بعدی، فرآیند جستجو و سازماندهی تم‌ها انجام شد. در این مرحله، کدهای استخراج‌شده در قالب تم‌های بالقوه دسته‌بندی شده و تمامی داده‌های کدگذاری شده براساس این تم‌ها سامان‌دهی گردید. به عبارت دیگر، پژوهشگر تحلیل کدها را آغاز کرده و بررسی می‌کند که چگونه کدهای مختلف می‌توانند در کنار هم قرار گرفته و یک تم کلی را شکل دهند. در ادامه، بر اساس مضامین پایه استخراج‌شده از متن، مضامین سازمان‌دهنده و در سطح بالاتر مضامین فراگیر تدوین و نهایی شدند.

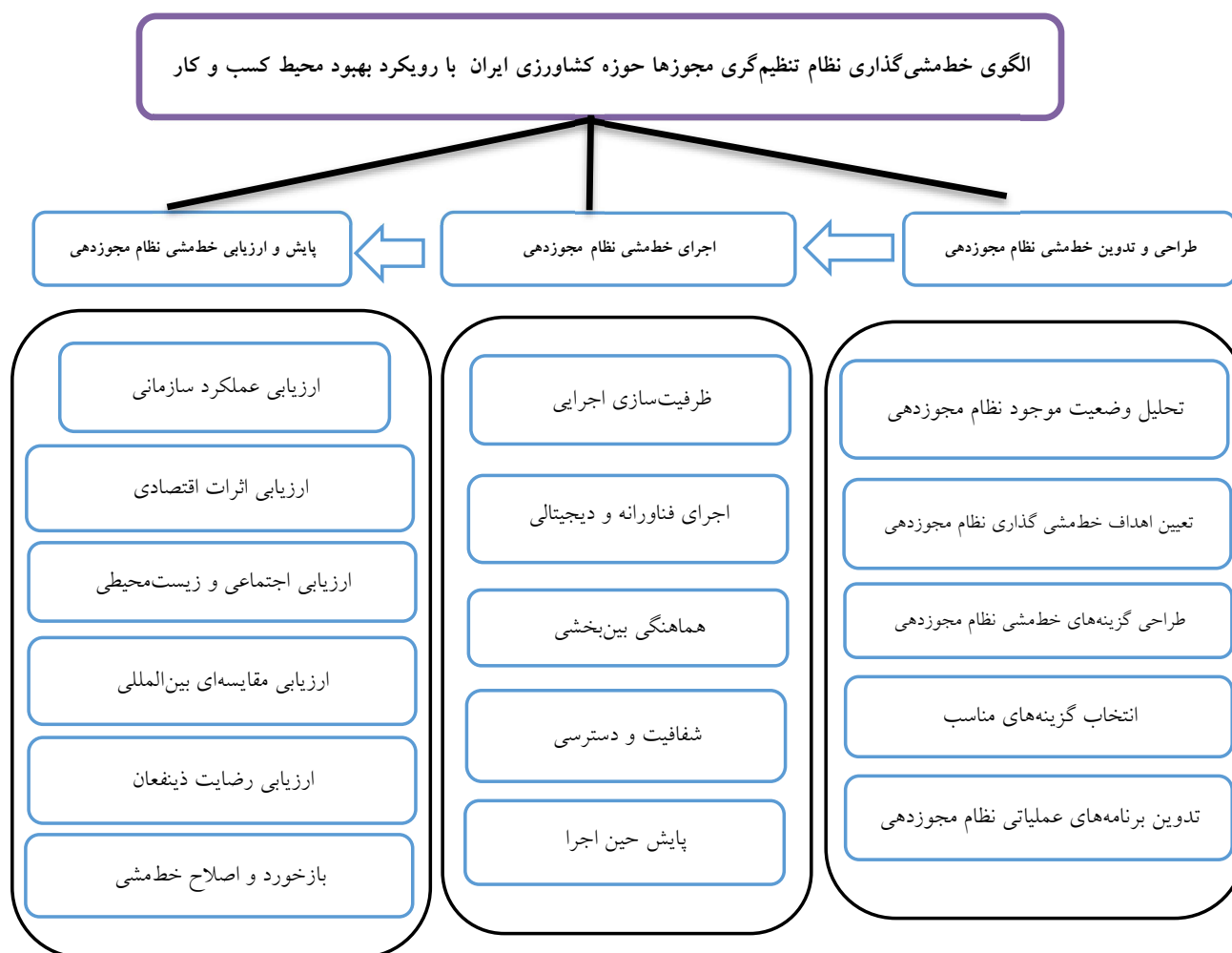
### جدول ۲. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین			
پایه	ردیف	سازمان‌دهنده	فراگیر
تحلیل وضعیت موجود کسب و کارهای حوزه کشاورزی	۱	تحلیل وضعیت موجود	تدوین خطمشی
موانع فرآیند مجوزدهی (متوسط تعداد مراجعات)	۲		
شکایات ثبت‌شده کشاورزان درباره فرآیند مجوزدهی	۳		
دستگاه‌های مرتبط با صدور مجوز	۴		
ارتقا جایگاه کسب و کارهای کشاورزی	۵	تعیین اهداف خطمشی گذاری	
کاهش زمان صدور مجوز به ۳۰ روز	۶		
افزایش رضایت کاربران به ۸۰٪	۷		
یکپارچه‌سازی مراجع مجوزدهی	۸		
دیجیتالی‌سازی فرآیندها	۹	طراحی گزینه‌های خط مشی	
طراحی سناریوهای جایگزین خطمشی	۱۰		
آزادسازی محدودیت‌های دسترسی به منابع (خاک/آب)	۱۱		
استفاده از هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری	۱۲		
اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس هزینه-فایده	۱۳	انتخاب گزینه‌های مناسب	
سازگاری با قوانین داخلی و بین‌المللی	۱۴		
پشتیبانی ذی‌نفعان از گزینه	۱۵		
قابلیت اجرای کوتاه‌مدت گزینه	۱۶		
وجود نقشه راه مشخص	۱۷	تدوین برنامه- های عملیاتی	
تعیین مسئولیت‌های اجرایی	۱۸		
تخصیص منابع مالی لازم	۱۹		
زمان‌بندی اجرایی منظم	۲۰		
اجرای دوره‌های آموزشی برای کارشناسان	۲۱		

اختصاص اعتبار به زیرساخت دیجیتال	۲۲	ظرفیت‌سازی اجرایی	اجرای خط‌مشی
وجود سیستم مدیریت اسناد الکترونیکی	۲۳		
مشارکت بخش خصوصی در اجرای سیاست	۲۴		
ارائه خدمات الکترونیکی	۲۵	اجرای فناوریانه و دیجیتالی	
اتوماسیون فرآیندها	۲۶		
توسعه درگاه‌های یکپارچه مجوزدهی	۲۷		
دسترسی عمومی به سامانه‌های مجوزدهی	۲۸	هماهنگی بین‌بخشی	
ایجاد کمیته‌های هماهنگی تشکیل شده	۲۹		
تنظیم پروتکل‌های همکاری بین دستگاهی	۳۰		
کاهش موانع ناشی از ناهماهنگی	۳۱		
افزایش همکاری بین دستگاه‌ها	۳۲		
انتشار اطلاعات مربوط به مجوزها	۳۳	شفافیت و دسترسی	
قابلیت رهگیری آنلاین وضعیت درخواست‌ها	۳۴		
شفافیت سامانه مجوزدهی	۳۵		
کاهش مراجعات حضوری به دلیل شفافیت	۳۶		
تعداد گزارش‌های دوره‌ای منتشر شده	۳۷	پایش حین اجرا	
تعداد بازدیدهای نظارتی انجام شده	۳۸		
تعیین میزان انحراف از برنامه اجرایی	۳۹		
اقدام‌های اصلاحی حین اجرا	۴۰	ارزیابی عملکرد سازمانی	
کیفیت فرایند صدور مجوز	۴۱		
متوسط زمان صدور مجوز	۴۲		
تعداد مراجعات مجدد به دلیل نقص مدارک	۴۳		
کاهش هزینه‌های مبادلاتی	۴۴	ارزیابی اثرات اقتصادی	
رشد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۴۵		
افزایش صادرات محصولات کشاورزی	۴۶		
افزایش اشتغال در بخش کشاورزی	۴۷		
افزایش رقابت‌پذیری در بازار داخلی و خارجی	۴۸	ارزیابی اجتماعی و زیست‌محیطی	
میزان رضایت عمومی کشاورزان	۴۹		
افزایش عدالت در دسترسی به فرصت‌های کسب‌وکار	۵۰		
کاهش آلودگی ناشی از فعالیت‌های غیرمجاز	۵۱		
افزایش اعتماد عمومی به نظام مجوزدهی	۵۲		
مقایسه وضعیت کسب و کارهای کشاورزی با استانداردهای جهانی	۵۳	ارزیابی مقایسه‌ای بین‌المللی	
مقایسه زمان صدور مجوز با کشورهای همسایه	۵۴		
مقایسه هزینه‌های مجوز با کشورهای توسعه یافته	۵۵		

سطح دیجیتالی‌سازی خدمات مجزدهی در مقایسه با استانداردهای جهانی	۵۶	ارزیابی رضایت ذینفعان
شاخص رضایت کشاورزان	۵۷	
درصد کاهش شکایات	۵۸	
نرخ توصیه خدمات به دیگران	۵۹	
رشد سرمایه‌گذاری پس از اصلاحات	۶۰	بازخورد و اصلاح خط-مشی
تعداد پیشنهادات اصلاحی از ذی‌نفعان	۶۱	
تعداد تغییرات اعمال شده در سیاست‌ها	۶۲	
میانگین زمان پاسخ به نتایج ارزیابی‌ها	۶۳	
تعدیل سیاست‌ها بر اساس بازخورد	۶۴	

شبکه مضامین، ابزاری کارآمد در تحلیل مضمون است که توسط آترید و استرلینگ (۲۰۰۱) معرفی شده است. این روش، همانند یک ساختار شبکه‌ای عمل کرده و به‌عنوان چارچوب سازمان‌دهنده داده‌ها عمل می‌کند و نحوه نمایش نتایج را بر اساس الگوی نهایی و ساختار تصویری مشخص ارائه می‌دهد.



شکل ۱. الگوی خط‌مشی‌گذاری نظام تنظیم‌گری مجوزها حوزه کشاورزی ایران با رویکرد بهبود محیط کسب و کار

## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با هدف طراحی الگوی خطمشی‌گذاری عمومی در نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با خبرگان و متخصصان حوزه کسب‌وکار مورد تحلیل قرار گرفت. استفاده از روش تحلیل مضمون بر اساس رویکرد آترید-استرلینگ امکان شناسایی الگوها و مضامین کلیدی مؤثر بر فرآیند خطمشی‌گذاری و نظام مجوزدهی را فراهم آورد. در این بخش، یافته‌های پژوهش در پرتو ادبیات پیشین و مطالعات مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طراحی و اجرای یک نظام جامع خطمشی‌گذاری برای بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در حوزه کشاورزی نیازمند طی کردن چرخه‌ای منسجم شامل تدوین، اجرا و ارزیابی خطمشی است. در مرحله تدوین خطمشی، تحلیل وضعیت موجود کسب‌وکارهای کشاورزی و شناسایی موانع فرآیند مجوزدهی، شکایات کاربران و نهادهای مسئول، زمینه‌ساز تعیین اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری مانند کاهش زمان صدور مجوز، ارتقای جایگاه کسب‌وکارها و افزایش رضایت کاربران می‌شود. طراحی گزینه‌های خطمشی با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، سناریوهای جایگزین و آزادسازی محدودیت‌های دسترسی به منابع، امکان ایجاد راهکارهای نوآورانه و عملیاتی را فراهم می‌آورد. انتخاب گزینه‌های مناسب نیز بر اساس سازگاری با قوانین داخلی و بین‌المللی، اولویت‌بندی هزینه-فایده و حمایت ذی‌نفعان، پایه اجرای موفقیت‌آمیز خطمشی را شکل می‌دهد.

در مرحله اجرای خطمشی، ظرفیت‌سازی اجرایی از طریق آموزش کارشناسان، اختصاص منابع مالی و زیرساخت‌های دیجیتال، اتوماسیون فرآیندها، توسعه درگاه‌های یکپارچه مجوزدهی و ایجاد شفافیت و دسترسی عمومی، تضمین‌کننده تحقق اهداف تدوین شده است. همچنین، هماهنگی بین‌بخشی و پایش مستمر حین اجرا، امکان شناسایی انحرافات و اصلاح اقدامات را فراهم می‌آورد.

مرحله ارزیابی خطمشی نیز شامل ارزیابی عملکرد سازمانی، اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، ارزیابی مقایسه‌ای بین‌المللی و بررسی رضایت ذی‌نفعان است. بازخوردهای دریافتی از ذی‌نفعان و اعمال اصلاحات بر اساس نتایج ارزیابی‌ها، باعث بهبود مستمر خطمشی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مجوزدهی می‌شود. به طور کلی، این الگو نشان می‌دهد که یک نظام تنظیم‌گری مجوزها با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار، تنها با طراحی استراتژیک، اجرای فناورانه، شفاف و هماهنگ و بازخورد مستمر قادر است به افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری، رضایت ذی‌نفعان و رقابت‌پذیری بخش کشاورزی منجر شود.

این چرخه کامل خطامشی با نتایج مطالعات پیشین همسو است. دانایی فرد و سلطانی (۱۳۹۵) فقدان انسجام نهادی و ضعف نظام بازخورد را از مهم‌ترین موانع کارآمدی خطامشی‌گذاری عمومی در ایران شناسایی کردند که با تأکید الگوی حاضر بر هماهنگی بین‌بخشی و پایش حین اجرا همخوانی دارد. پژوهش‌های واعظی و اسدی (۱۳۹۹) و مؤمنی (۱۳۹۷) نشان دادند که پیچیدگی و عدم شفافیت نظام مجوزدهی، مانع سرمایه‌گذاری و رقابت‌پذیری کسب‌وکارهاست؛ این یافته با تأکید الگوی حاضر بر دیجیتالی‌سازی و شفاف‌سازی فرآیندهای صدور مجوز مطابقت دارد. قاسمی و کریمی (۱۴۰۰)، حسینی و بابایی (۱۳۹۹) و قهرمانی و خدامرادی (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که طولانی بودن فرآیندها، تعدد نهادها و نبود هماهنگی مانع توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی است؛ الگوی حاضر با ایجاد کمیته‌های هماهنگی و تنظیم پروتکل‌های همکاری بین دستگاهی، دقیقاً این موانع را هدف قرار داده است. همچنین، یافته‌های بین‌المللی مانند مطالعات بالدوین، کیو و لادج (۲۰۱۲)، جیانکوف (۲۰۰۹) و گانینگهم و همکاران (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که استفاده از تنظیم‌گری هوشمند، تمرکز بر داده‌ها، انعطاف‌پذیری و شفافیت، کارایی مجوزدهی و اعتماد فعالان اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ این رویکرد در مرحله اجرای فناورانه و دیجیتالی و بازخورد و اصلاح خطامشی در الگوی حاضر منعکس شده است. به طور کلی، یافته‌های این پژوهش نه تنها تأییدکننده نتایج پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی هستند، بلکه با ارائه یک چرخه منسجم و جامع، نشان می‌دهند که بهبود محیط کسب‌وکارهای کشاورزی در ایران نیازمند ترکیبی از تدوین استراتژیک، اجرای فناورانه، هماهنگی نهادی و ارزیابی مستمر با بازخورد فعالان است. بر اساس چرخه سه‌مرحله‌ای تدوین، اجرا و ارزیابی خطامشی برای بهبود محیط کسب‌وکارهای کشاورزی در ایران، می‌توان پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه کرد،

○ یکپارچه‌سازی و استانداردسازی فرآیندها؛ طراحی یک چارچوب یکپارچه برای مجوزدهی کشاورزی که تمامی نهادهای صدور مجوز را تحت یک سامانه الکترونیکی هماهنگ کند تا مراجع متعدد و تکرار مراجعات کاهش یابد.

○ تعیین اهداف عملیاتی و شاخص‌پذیر؛ تعریف اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری مانند کاهش زمان صدور مجوز به ۳۰ روز، افزایش رضایت کشاورزان و ارتقای جایگاه کسب‌وکارهای کشاورزی.

○ شبیه‌سازی و تحلیل سناریوهای خطامشی؛ طراحی گزینه‌های مختلف خطامشی و تحلیل مزایا و محدودیت‌های هر سناریو با استفاده از شبیه‌سازی دیجیتالی و داده‌های واقعی برای انتخاب بهترین گزینه‌ها.

○ دیجیتالی‌سازی فرآیندها؛ ایجاد سامانه‌های الکترونیکی یکپارچه برای صدور مجوزها،

اتوماسیون فرآیندها و فراهم کردن امکان دسترسی عمومی و آنلاین به اطلاعات مجوزها.  
 ○ ظرفیت‌سازی اجرایی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارشناسان و مدیران، تخصیص منابع مالی و ارتقای زیرساخت‌های فناوری اطلاعات برای پشتیبانی از اجرای مؤثر خطمشی‌ها.

○ تقویت هماهنگی بین‌بخشی؛ تشکیل کمیته‌های مشترک میان دستگاه‌های مجوزدهنده، تدوین پروتکل‌های همکاری و ایجاد کانال‌های ارتباطی مستقیم با بخش خصوصی و ذی‌نفعان.

○ پایش مستمر و بازخورد دوره‌ای؛ طراحی سیستم گزارش‌دهی منظم شامل شاخص‌های عملکرد، بازدیدهای نظارتی و پیگیری انحرافات از برنامه برای اصلاح فوری سیاست‌ها.  
 ○ ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی؛ تحلیل نتایج اجرای خطمشی از نظر رشد سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، رضایت کشاورزان، عدالت اجتماعی و کاهش اثرات زیست‌محیطی.

○ استفاده از بازخورد ذی‌نفعان؛ جمع‌آوری پیشنهادات اصلاحی از کشاورزان و فعالان اقتصادی و اعمال تغییرات سیاستی مبتنی بر شواهد برای بهبود کارایی و پذیرش اجتماعی خطمشی‌ها.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش مربوط به جامعه آماری محدود در بخش کیفی است؛ به طوری که تحلیل داده‌ها تنها بر اساس مصاحبه با خبرگان و مدیران ارشد حوزه کسب‌وکار و سیاست‌گذاری کشاورزی انجام شد و امکان تعمیم مستقیم یافته‌ها به تمامی فعالان اقتصادی و سطوح اجرایی کشور محدود است. پژوهش‌های آینده می‌توانند از رویکرد ترکیبی (کمی-کیفی) با نمونه‌گیری وسیع‌تر از فعالان بخش خصوصی و کشاورزان در مناطق مختلف کشور استفاده کنند تا اثرات خطمشی‌های تدوین‌شده بر عملکرد واقعی کسب‌وکارهای کشاورزی و رضایت ذی‌نفعان به صورت کمی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد و قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد.

### تشکر و قدردانی

در خاتمه این مقاله، مراتب سپاس و قدردانی خود را از همه افراد مصاحبه‌شونده و سازمان مورد پژوهش ابراز می‌کنیم.

### تعارض منافع

نویسنده(گان) اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

## دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

## منابع

- AmirAhmadi, F. (2024, October). Reliable agricultural statistics conditional on business license requirement. *Mehr News Agency*. (In Persian).
- Amiri, V., & Modarresi, M. (2018). Identification of barriers to establishing organic agricultural businesses in Iran *Journal of Development and Research in Management*, 25(3), 77–94. (In Persian).
- Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 543–571.
- Ayres, I., & Braithwaite, J. (1992). *Responsive regulation: Transcending the deregulation debate*. Oxford University Press.
- Baldwin, R., Cave, M., & Lodge, M. (2012). *Understanding regulation: Theory, strategy, and practice* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Cairney, P. (2025). *Why perfect policy coherence is unattainable (and may be ill-advised)*. *Policy Sciences*, 58, 619–642.
- Danaeefard, H., & Soltani, A. (2016). Analysis of the public policy-making process in Iran with emphasis on institutional challenges. *Political Science Quarterly*, 12(4), 55–78. (In Persian).
- Djankov, S. (2009). *The regulation of entry: A survey*. The World Bank Research Observer, 24(2), 183–203.
- Dunn, W. N. (2018). *Public policy analysis: An integrated approach* (6th ed.). Routledge.
- Fallah-Alipour, S., Mehrabi Boshrahadi, H., Zare Mehrjerdi, M. R., & Hayati, D. (2018). A framework for empirical assessment of agricultural sustainability: The case of Iran. *Sustainability*, 10(12), 4823. (In Persian).
- Fan, S., & Chan-Kang, C. (2005). *Is China's agricultural development contributing to pro-poor growth?* International Food Policy Research Institute.
- Ghahremani, M. S., & Khodamoradi, Z. (2021). Evaluating the efficiency of business licensing system in Iran. *Labour Economics Quarterly*, 4(2), 89–112.
- Ghasemi, M., & Karimi, M. (2021). Assessing the impact of agricultural licensing system on the development of rural businesses. *Rural Sociology Quarterly*, 7(3), 44–63. (In Persian).
- Gunningham, K., Grabosky, P., & Sinclair, D. (1998). *Smart regulation: Designing environmental policy*. Oxford University Press.
- Gunningham, N., & Sinclair, D. (2017). *Smart regulation*. In R. Baldwin, M. Cave, & M. Lodge (Eds.), *The Oxford handbook of regulation* (pp. 120–145). Oxford University Press.
- HajiPour, S., & Feyzpour, M. (2019). Exploring challenges of implementing public policies in governmental organizations. *Public Administration Quarterly*, 11(3), 45–68. (In Persian).

- Hosseini, A. A., & Babaei, N. (2020). The impact of agricultural regulations and licensing processes on farmer performance. *Rural Development Quarterly*, 8(2), 21–40. (In Persian). (In Persian).
- Howlett, M. (2014). Why are policy instruments choice important? *Policy & Society*, 33(3), 1–12.
- Howlett, M. (2019). *Designing public policies: Principles and instruments*. Routledge.
- Howlett, M., & Ramesh, M. (2020). *Studying public policy: Principles and processes* (4th ed.). Oxford University Press.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues*. World Bank Policy Research Working Paper No. 5430.
- Kingdon, J. W. (2011). *Agendas, alternatives, and public policies* (Updated 2nd ed.). Pearson.
- Kydd, J., & Dorward, A. (2004). Implications of market and regulatory failures for agricultural development. *American Journal of Agricultural Economics*, 86(3), 708–723.
- Markaz Malmiri, A. (2020). Deregulation as license removal: A conceptual analysis of deregulation in Iran. *Majles va Rahbord*, 27(104), 181–214. (In Persian).
- Momeni, J. (2018). The role of regulatory quality in improving Iran's business environment. *Economic Development Quarterly*, 9(1), 75–98. (In Persian).
- Nerimani, M., Elyasi, M., & Attarpor, M. R. (2019). Providing an institutional framework to enhance the effectiveness of government and public sector role in improving technological capacity of domestic products: A case study of the Maximum Use of Domestic Capacity Act. *Innovation Management*, 2(29), 21–47. (In Persian).
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2012). *Recommendation of the Council on Regulatory Policy and Governance*. OECD Publishing. <https://www.oecd.org/gov/regulatory-policy/2012-recommendation.htm>
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2025). *Regulatory policy outlook 2025: Strengthening regulation for future resilience*. OECD Publishing. <https://www.oecd.org/publications/oecd-regulatory-policy-outlook-2025>
- Pacho, F. (2023). *Improving business environment through smart licensing reform: Evidence from developing economies*. *Journal of Regulatory Economics*, 63(2), 189–212.
- Sabatier, P. A., & Weible, C. M. (2014). *Theories of the policy process* (3rd ed.). Westview Press.
- Vaezi, M., & Asadi, N. (2020). Challenges of the licensing and economic regulation system in Iran. *Iranian Economic Quarterly*, 5(2), 101–125. (In Persian).
- World Bank Group. (2017). *Enabling the business of agriculture 2017*. World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/2598>
- World Bank. (2013). *Doing business 2013: Smarter regulations for small and medium-size enterprises*. World Bank Publications. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/11857>

- World Bank. (2017). *Doing business 2017: Equal opportunity for all*. World Bank Group.
- Yazdani, H., & Rezaei, S. (2017). Examining factors affecting business environment improvement with emphasis on regulatory quality. *Entrepreneurship Development Quarterly*, 3(1), 33–52. (In Persian).
- Zohdi, M. (2018). Government and range management in Iran (policy, laws and plans). *International Journal of Agricultural Management & Development*, 8(4), 1-14. (In Persian).